

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات، گرایش فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان پایان نامه

عشق و رابطه آن با جهان هستی از دیدگاه ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا

استاد راهنما: دکتر عباس جوارشکیان

استاد مشاور: حجة الاسلام عزیز الله فیاض صابری

محقق: وحید فتاحی

دی ماه ۸۹

## تقدیم به

همسر مهربانم که مرا از برای او بسی شکر است.

## سپاس

از استادان عزیزم در تمام مراحل تحصیلم به خصوص اساتید راهنما و مشاور  
آقایان دکتر عباس جوارشکیان و حجة الاسلام و المسلمین عزیزالله فیاض صابری

پدر و مادر عزیز خود و همسرم

که بدون کوشش آنها به این سرانجام نمی‌رسیدم

همسر مهربان و صبورم

که در همه لحظات زندگی مشترکمان حامی بی‌دریغ من بوده است.



بسمه تعالی  
مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان  
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: عشق و رابطه آن با جهان هستی از دیدگاه ابن‌سینا، سهروردی و ملاصدرا		
نام نویسنده: وحید فتاحی		
نام استاد(ان) راهنما: دکتر عباس جوارشکیان		
نام استاد(ان) مشاور: حجة الاسلام عزیزالله فیاض صابری		
رشته تحصیلی: فلسفه و حکمت اسلامی	گروه: الهیات	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی
تاریخ دفاع: ۱۳۸۹/۱۰/۲۱	تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱۲/۱۵	
تعداد صفحات: ۱۰۰	مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد <input type="radio"/> دکتری <input type="radio"/>	
<p><b>چکیده رساله/پایان نامه:</b> عشق حقیقتی ازلی و ابدی است و از صفات خدا، خلق و انسان است و به همین جهت عامل پیوند جهان هستی با خداست. فلاسفه اسلامی هر کدام بر طبق مبانی فلسفی خود از عشق سخن گفته‌اند و معتقدند که همه موجودات به حکم عشق فطری در جریان و حرکتند و اساس جهان آفرینش بر عشق نهاده شده است. آنچه در تعاریف فلاسفه و حکما از عشق آمده است تعریف به آثار و عوارض است و نه به حقیقت و ماهیت عشق زیرا که عشق به دلیل بدهاقتش و اینکه امری عینی و چشیدنی است، غیر قابل تعریف است. از آنجا که خداوند کاملترین موجود بلکه کمال مطلق است و از طرفی او خود نسبت به خویش بالاترین مرتبه ادراک را دارد پس خداوند خود هم برترین عاشق است و هم برترین معشوق و لذا او خود بالاترین ابتهاج و عشق را به خود داراست. از مبادی عشق، کمال و معرفت است، کمال در معشوق و معرفت در عاشق، حال هر چه کمال معشوق بیشتر و ادراک این کمال از جانب عاشق بیشتر باشد عشق عمیق‌تر و شدیدتر است.</p> <p>از مهم‌ترین آثار عشق، توان‌بخشی و خلاقیت‌زایی در عاشق است که چون آتشی سراپای وجود او را فرا می‌گیرد و وی را از نقص و کدورت و کثرت بینی و خودخواهی پاک می‌کند و دیده‌ای وحدت‌بین به او عطا می‌کند.</p>		
امضای استاد راهنما:	کلید واژه:	
تاریخ:	۱. عشق	
	۲. وجود	
	۳. ابن‌سینا	
	۴. سهروردی	
	۵. ملاصدرا	

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱
فصل اول: حقیقت و ماهیت عشق .....	۶
۱. عشق در لغت .....	۷
۲. واژه عشق در قرآن و روایات .....	۸
۳. تعریف عشق .....	۱۱
۴. عشق از دیدگاه ابن سینا .....	۱۶
۵. عشق از دیدگاه سهروردی .....	۱۵
۱،۵. فطری بودن عشق از نظر سهروردی .....	۱۹
۶. عشق از دیدگاه ملاصدرا .....	۲۰
۷. تقسیمات عشق .....	۲۴
۱،۷. عشق حقیقی و عشق مجازی .....	۲۴
۱،۱،۷. معشوق حقیقی و معشوق مجازی .....	۲۷
۲،۱،۷. ارتباط عشق مجازی با عشق حقیقی .....	۲۸
۳،۱،۷. عشق ظرفا و فتیان به زیبارویان .....	۳۲
۲،۷. عشق طبیعی و عشق اختیاری .....	۳۷
۱،۲،۷. عشق و شوق .....	۳۸

۴۲	.....عشق اکبر، عشق اوسط و عشق اصغر.....
۴۴	..... <b>فصل دوم: مبادی عشق</b> .....
۴۵	.....۱. مبدأ عشق.....
۴۶	.....۱،۱. خیر و کمال خواهی.....
۵۱	.....۱،۱،۱. نسبت کمال و زیبایی.....
۵۹	.....۲،۱. معرفت و ادراک.....
۶۳	.....۲. لوازم عشق.....
۶۳	.....۱،۲. سنخیت.....
۶۵	.....۲،۲. محبت.....
۶۸	..... <b>فصل سوم: عشق و هستی</b> .....
۶۹	.....۱. اثبات شعور و حیات و عشق در موجودات عالم.....
۶۹	.....۱،۱. ابن سینا.....
۷۰	.....۲،۱. شیخ اشراق.....
۷۲	.....۳،۱. ملاصدرا.....
۷۵	.....۲. براهین سریان عشق در عالم.....
۷۵	.....۱،۲. دلیل خیرجویی و استکمال به خیر.....
۷۹	.....۲،۲. مساوقت عشق با وجود.....
۸۱	.....۳،۲. برهان لمّی بر پایه اصل علیّت و وحدت حقیقت وجود.....
۸۳	..... <b>فصل چهارم: تفاوت ظهورات عشق در مراتب مختلف هستی</b> .....

۱. مراتب عشق ..... ۸۴
- ۱,۱. مراتب عشق در اندیشه ابن سینا..... ۸۴
- ۲,۱. مراتب عشق در اندیشه سهروردی..... ۸۷
- ۱,۲,۱. مراتب محبت..... ۸۸
- ۳,۱. مراتب عشق در اندیشه ملاصدرا..... ۸۹
۲. سریان نیروی عشق در هستی..... ۹۲
- ۱,۲. سریان عمومی عشق در هستی از نظر ابن سینا..... ۹۲
- ۱,۱,۲. دلیل ابن سینا بر سریان عشق در غیر واجب..... ۹۴
۳. عشق در خداوند..... ۹۵
- ۱,۳. عینیت خداوند و عشق از نظر ابن سینا..... ۹۵
- ۲,۳. دیدگاه صدرالمتألهین در عشق واجب الوجود..... ۹۷
- ۳,۳. قهر نورالانوار به موجودات از نظر سهروردی..... ۹۹
۴. عشق در غیر واجب تعالی..... ۱۰۲
- ۱,۴. عشق هیولا..... ۱۰۲
- ۱,۱,۴. انکار بوعلی و استدلال وی بر نفی شوق هیولا به صورت..... ۱۰۴
- ۲,۱,۴. جواب اشکال بوعلی بر شوق هیولا از ملاصدرا..... ۱۰۶
- ۳,۱,۴. برهان ملاصدرا بر اثبات شوق هیولا..... ۱۰۸
- ۲,۴. عشق صورت و عرض..... ۱۰۹
- ۱,۲,۴. عشق صورت..... ۱۱۰

۱۱۰.....	عشق عرض ۲،۲،۴
۱۱۰.....	اشکالات ملاصدرا بر بوعلی در عشق صورت و عرض ۳،۲،۴
۱۱۲.....	وجود عشق در نبات ۳،۴
۱۱۴.....	عشق نفوس حیوانی ۴،۴
۱۱۴.....	دیدگاه ابن سینا در عشق نفوس حیوانی ۱،۴،۴
۱۱۷.....	دیدگاه ملاصدرا در عشق نفوس حیوانی ۲،۴،۴
۱۱۸.....	عشق در انسان ۵،۴
۱۱۹.....	<b>فصل پنجم: ثمرات عشق در هستی و وجود آدمی ۱۱۹</b>
۱۲۰.....	۱. وحدت آفرینی عشق ۱۲۰
۱۲۳.....	۲. عشق، علت پیدایش و بقای هستی ۱۲۳
۱۲۶.....	۳. دربند کردن نفس اماره و کندن از تعلقات دنیوی ۱۲۶
۱۲۹.....	۴. نیل به کمال و مقام خلافت الهی ۱۲۹
۱۳۰.....	۵. مظهریت حق و حقیقت ۱۳۰
۱۳۱.....	۶. خاصیت توان بخشی و خلاقیت ورزی ۱۳۱
۱۳۲.....	<b>فصل ششم: جمع بندی و نتیجه گیری ۱۳۲</b>
۱۳۳.....	۱. نتایج فصل اول ۱۳۳
۱۳۶.....	۲. نتایج فصل دوم ۱۳۶
۱۳۸.....	۳. نتایج فصل سوم ۱۳۸
۱۳۹.....	۴. نتایج فصل چهارم ۱۳۹



١٤١.....٥. نتائج فصل پنجم.....

١٤٥.....منابع.....

## تعریف مسأله و تبیین موضوع

به عقیده اهل الله، عشق و محبت اساس و اصل حیات و مایه بقای موجودات عالم است و همه حرکت‌ها و جنبش‌های گوناگون تحت تأثیر تامّ عشق فطری و شوق ازلی است تا از این طریق به کمال وجودی خویش برسند. نفوس فلکی و اجرام آسمانی، عالم حیوانات و نباتات و جمادات، سلسله موجودات عالیه و عقول مجردّه و طبقه نفوس قدسیّه ملکوتیه، بالجمله متوجّه حسن مطلق و زیبایی مطلق بوده و جملگی سرمست نغمه دلنواز عشقند. نیروی مقدّس و مقتدر عشق به اشکال و کیفیات گوناگون (شوق و محبت انسانی، اراده و شهوت حیوانی و ...) در عالم هستی خودنمایی می‌کند و سریان عشق همه زمان‌ها و مکان‌ها و نسل‌ها را در برمی‌گیرد. از دیدگاه ماتریالیستها، روانشناسان و پزشکان، عشق نوعی بیماری روانی است که از تمرکز و مداومت بر یک تمایل و علاقه طبیعی در اثر گرایشهای غریزی پدید می‌آید اما از دیدگاه عرفا، عشق یک حقیقت و یک اصل اساسی و عینی است و لکن این حقیقت عینی به سادگی قابل تعریف نیست. جایگاه عشق در ادبیات نیز از جایگاه والایی برخوردار است به طوری که شاعران بنام این مرز و بوم همچون مولوی، حافظ، سعدی، فرخی، منوچهری و غیره در باب عشق شعرها سروده‌اند. از نظر حکمت و عرفان و دین، مبدأ آفرینش بر عشق بوده و خداوند از نظر فیلسوفان بزرگ اسلامی «اشدّ ابتهاجاً بذاته» است. البته بیشتر قلم‌فرسایان در باب عشق بعد عرفانی و ادبی داشته است و کمتر از زاویه مباحث فلسفی و تحلیل فلسفی به این مقوله توجه شده است.

## پیشینه پژوهش

موضوع عشق یکی از مباحثی است که اکثر فیلسوفان و عارفان به آن پرداخته‌اند. در آثار متأخرین از حکما و فلاسفه می‌توان به جلد ۲ و ۷ از کتاب الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیه الاربعه از ملاصدرا دو رساله در باب عشق از سهروردی و ابن‌سینا اشاره کرد. کتاب‌هایی نیز در سال‌های اخیر در باب عشق از نظر این فلاسفه نوشته شده است که می‌توان به سه کتاب فلسفه هنر در عشق‌شناسی ملاصدرا (انتشارات فرهنگستان هنر)، عشق در سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه (انتشارات دفتر انتشارات اسلامی) و کتاب مبانی فلسفی عشق (دفتر تبلیغات اسلامی) اشاره کرد. در این راستا چند پایان نامه نیز به عناوین سریان عشق در هستی، عشق در حکمت متعالیه، عشق از دیدگاه عرفا و فلاسفه شرق، عشق و نقش آن در تکامل وجودی انسان از دیدگاه احمد غزالی و ملاصدرا نگاشته شده است.

## سئوال‌های اساسی پژوهش

- (۱) حقیقت و ماهیت عشق؟
- (۲) نسبت عشق و هستی؟
- (۳) مبادی عشق چیست؟
- (۴) تفاوت ظهورات عشق در مراتب مختلف هستی؟
- (۵) بازتاب و ثمره عشق در کالبد انسان؟

## فرضیه‌های پژوهش

- (۱) ماهیت عشق عبارتست از ابتهاج ذاتی ناشی از درک مراتب عالیه زیبایی و کمال
- (۲) عشق شأنی از شئون هستی است که همه موجودات به تناسب مرتبه وجودی خود از آن بهره مندند
- (۳) مبادی عشق عبارتست از معرفت، درک زیبایی، کمال جویی ذاتی موجودات
- (۴) با توجه به مراتب سه‌گانه هستی (مجردات محضه، نیمه مجردات، مادیات)، مظاهر عشق نیز متفاوت است.
- (۵) ثمره عشق در کالبد انسان: رهایی از تعینات فردی و اصول اتحاد و اتصال با مراتب عالیه هستی و استکمال وجودی موجود.

### ضرورت تحقیق و هدف:

ضرورت تحقیق، نشان دادن سریان عشق در عالم و تأثیر نفوذ این عشق در کلیه ماسوی -  
الله است، عشقی که سابقه‌ای بس طولانی در امتداد دوره تفکر و تأمل بشری دارد و  
همواره در طول تاریخ بشری وجهه همت اندیشمندان بوده است.

هدف انسان این که انسان با پی بردن به رابطه ژرف و عمیق عشق و عالم و این که عشق  
در کلّ عالم امکان سریان دارد، به این نکته رهنمون می‌شود که حال که تمام عالم امکان  
قائم و ایستاده به عشق است انسان نیز می‌تواند همین عشق را مانند اکسیری به پیکره  
خود وارد کند که اگر این چنین شد انسان تجلی‌گاه حسن یار و آئینه جمال و جلال حق  
می‌شود.

## روش پژوهش

در این پژوهش سعی شده تا مجموعه آرا و اندیشه‌های سه فیلسوف جهان اسلام در خصوص عشق، به روشی تحلیلی عقلی مورد تبیین قرار گرفته و در ساختاری منطقی تنظیم شده و به شکلی مقایسه‌ای ارائه گردد. شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه-ای و بکارگیری رایانه و اینترنت است.

## ساختار پژوهش

این پژوهش در شش فصل تنظیم شده است. در فصل اول که در خصوص کلیات بحث است به بررسی منشأ پیدایش واژه عشق و بررسی آن در آیات و روایات، اقسام و تقسیمات واژه عشق و بیان نظریات سه فیلسوف اسلامی در رابطه با عشق پرداخته می‌شود.

در فصل دوم مبادی عشق بررسی می‌شود که به دو بخش تقسیم می‌شود. اول مبدأ عشق که عبارتند از خیر و کمال‌خواهی، معرفت. دوم لوازم عشق که عبارتند از سنخیت و محبت.

در فصل سوم که از فصول اصلی این پژوهش است، به رابطه عشق و هستی پرداخته می‌شود. نخست حیات و شعور و عشق در همه موجودات عالم به اثبات می‌رسد و سپس برهان‌های سریان عشق در عالم بیان می‌شود.

فصل چهارم در خصوص بیان مراتب عشق از منظر سه فیلسوف اسلامی است و سپس سریان نیروی عشق در هر یک از هویات (مدبره و غیر مدبره) بررسی می‌شود.

در فصل پنجم نیز ثمرات عشق در هستی و وجود آدمی در ۶ مورد (وحدت آفرینی عشق، پیدایش و بقای هستی به وجود عشق، در بند کردن نفس اماره و کندن از تعلقات مادی، نیل به کمال و مقام خلافت الهی، مظهریت حق و حقیقت، خاصیت توان بخشی و خلاقیت ورزی) بیان می شود.

در فصل ششم، ثمرات و نتایج این تحقیق به صورت خلاصه و به تفکیک هر فصل آورده شده است.

### **محدودیت های پژوهش**

موضوع عشق و رابطه آن با جهان هستی از موضوعاتی است که به طور بایسته و شایسته به آن پرداخته نشده است و در مورد آن رساله ها و مقالات کمی موجود است و این اولین پایان نامه ای است که با مضمون عشق در دانشگاه فردوسی مشهد نگاشته شده است. کمی منابع و پرداختن اجمالی و سطحی به موضوع عشق در کتب و مقالات و سایتها از محدودیت های جدی این پژوهش بوده است.

# فصل اول

## حقیقت و پابست عشق

## ۱. عشق در لغت

درباره ریشه کلمه عشق و این که از کجا اقتباس شده در کتاب کشف اصطلاحات الفنون آمده است: «عشق مأخوذ از عشقه است و آن نام گیاهی است که بر تنه هر درختی که پیچد آن را خشک سازد و خود به طراوت خویش باقی بماند پس هر عشقی بر هر تنی برآید جز محبوب خشک کند و محو گرداند و آن تن را ضعیف سازد و روح و دل را منور گرداند.»<sup>۱</sup>

هم چنین در فرهنگ علوم عقلی آمده است که:

«عشق به معنای فرط حب و دوستی، مشتق از عشقه است و آن گیاهی است که هرگاه به دور درخت پیچد آب آن را بخورد و رنگ آن را زرد کند و برگ آن را بریزد و بعد مدتی خود درخت نیز خشک شود و بالجمله، عشق تعلق قلب و حبّ زیاد است.»<sup>۲</sup>

---

۱- التهانوی، محمد اعلی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۰۱۲

۲- سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ص ۳۵۷



علی اکبر دهخدا در لغت نامه‌اش می‌نویسد: «عشقه نباتی است مثل لبلاب و بسیار کم برگ و شاخه‌های او به غایت از لبلاب قوی‌تر و درازتر است که به هر درختی پیچد خشک کند لهذا عشق مشتق از اوست.»<sup>۱</sup>

ابن منظور به نقل از زجاج آورده: «عشقه: نام گیاهی است که سبز شده، سپس لاغر و نازک و زرد می‌شود.»<sup>۲</sup> این تفسیر شرح حال عاشقی است که مبتلای به عشقی شده و جسمش رفته رفته تحلیل می‌رود. در فرهنگ فارسی معین آمده است که: «عشقه نام گیاهی بالارونده است از تیره عشقه‌ها.»<sup>۳</sup>

## ۲. لغت عشق در قرآن و روایات

در قرآن کریم نشانی از واژه عشق دیده نمی‌شود ولی در عین حال کلماتی را می‌بینیم که گرچه مستقیماً مفهوم عشق را نمی‌رسانند اما خواص و لوازم عشق را در بر دارند از قبیل:

الف) بتل: «وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتَلًا»<sup>۴</sup>، نام پروردگارت را یاد کن و تنها دل‌باخته و بی‌قرار او باش.»

ب) حبّ: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ»<sup>۵</sup>، آنها که ایمان دارند عشقشان به خدا شدیدتر است.»

همچنین در سوره یوسف آیه ۳۰، خداوند زلیخا را عاشق و شیدای یوسف دانسته است. «وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا...» جریان محبت و علاقه شدید

<sup>۱</sup> - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۳۴، ص ۲۷۰

<sup>۲</sup> - ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۵۱

<sup>۳</sup> - معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۳۰۴

<sup>۴</sup> - مزمل، ۸

<sup>۵</sup> - بقره، ۱۶۵

زلیخا به یوسف در شهر منعکس شد گروهی از زنان شهر گفتند: همسر عزیز جوانش را به سوی خود می‌کند. عشق این جوان در اعماق قلبش نفوذ کرده است.»

در روایتی امام باقر(ع) در معنای این آیه می‌فرمایند: «قَدْ حَبَبَهَا حُبَّهُ عَنِ النَّاسِ فَلَا تَعْقِلُ غَيْرَهُ وَ الْحِجَابُ هُوَ الشَّغَافُ وَ الشَّغَافُ هُوَ حِجَابُ الْقَلْبِ» ، محبت یوسف، زلیخا را از بقیه مردم بازداشت و لذا به غیر یوسف فکر نمی‌کرد و مراد از شغاف همان پرده و حجابی است که روی دل انسان می‌افتد که دیگر به غیر محبوب نمی‌اندیشد. در این کلام گهربار شغاف به معنای محبت شدید است که پرده روی قلب انسان کشیده می‌شود و از عیوب محبوب چیزی نمی‌بیند.

علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) در ذیل آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ» می‌فرماید:

«از مجموع مباحث در مورد آیه چند نکته بدست می‌آید: ۱. حب یک نوع ارتباط وجودی و جاذبه خاص میان علت و معلول است لذا مثلاً دانشجو استادش را که علت باسواد شدنش است، دوست می‌دارد و استاد هم شاگرد خود را که درس می‌خواند دوست دارد و از همه بهتر و مهم‌تر خداوند است که چون خالق و رازق و مدبّر ماست، هم باید به او علاقه داشته باشیم چنانکه خداوند هم مخلوقاتش را دوست دارد چون آنها آثار اویند.

۲. محبت دارای شدت و ضعف است و در یک نظام طولی است نه عرضی.

۳. خداوند از هر جهت شایسته و بایسته محبت ذاتی و حقیقی و خالص و شدید و دائمی موجودات نسبت به او است.

۴. اساس محبت‌ها به محبت خود یعنی حبّ ذات برمی‌گردد و اگر غیر خود را هم دوست داریم برای این جهت است که به ما وابسته است لذا خدا که خود را دوست دارد مخلوقاتش را هم که از آثار اویند دوست می‌دارد.

۵. محبت اعم از آگاهانه و ناآگاهانه است بنابراین هر موجودی بهره‌ای از عشق و محبت دارد.<sup>۱</sup>

در روایات امامان معصوم (ع) گاهی واژه عشق به طور مستقیم و گاهی مفهوم عشق به کار رفته است. در روایتی، پیامبر(ص) از خداوند متعال چنین نقل می‌کند: «إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَى الْعَبْدِ الْأَشْتغالِ بِي، جَعَلْتُ بُغَيْتَهُ وَ لَذَّتَهُ فِي فِكْرِي فَإِذَا جَعَلْتُ بُغَيْتَهُ وَ لَذَّتَهُ فِي ذِكْرِي، عَشَقْنِي وَ عَشَقْتَهُ، فَإِذَا عَشَقْنِي وَ عَشَقْتَهُ، رَفَعْتُ الْحِجَابَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ وَ صَيَّرْتُ ذَلِكَ تَغَالِبًا عَلَيْهِ لَا يَسْهُو إِذَا سَهَا النَّاسُ<sup>۲</sup>، وقتی که بنده بیشتر اوقات به یاد من باشد من طلب و لذتش را در یاد خودم قرار می‌دهم پس هنگامی که این چنین کنم او عاشق و من عاشق او می‌شوم و آنگاه که چنین شود حجاب و پرده بین خودم و او را برمی‌دارم و این حالت (طلب و یاد خودم را) را بر او مسلط خواهیم نمود به طوری که مردم وقتی از من غافل می‌شوند او دچار غفلت و فراموشی از من نخواهد شد. امام سجاد(ع) در دعای خمسه عشر، مناجات هشتم (مناجات المریدین) می‌فرماید:

« وَ الْيَكْ شَوْقِي وَ فِي مَحَبَّتِكَ وَ لَهِي وَ الْي هَوَاكَ صَبَابَتِي<sup>۳</sup>، خداوندا اشتیاق من به توست و به محبت تو شیفته‌ام و شدیدترین علاقه و دلباختگی‌ام به هوای توست.»

و نیز در بخشی از مناجات شعبانیه آمده است: « الْهِي وَ الْهَمَنِي وَ لَهَا بِذِكْرِكَ الْي ذِكْرَكَ...<sup>۴</sup>»

کلمه «وَلَه» «صَبَابَه» و «تِيم» از کلماتی هستند که اگرچه به دلالت مطابقی مترادف با عشق نیستند اما به نحو تَضَمَّنْ مشتمل بر برخی از حیثیات و ویژگی‌های عشق می‌باشند.

۱- طباطبایی، سید محمد حسین، *الميزان في تفسير القرآن*، ج ۱، ذیل آیه ۱۶۵ بقره

۲- *میزان الحکمه*، ج ۳، باب ۲۷۴۳، حدیث ۱۰۳۳۱

۳- قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، ص ۲۲۸

۴- همان ص ۲۸۷

وله: حزن شدیداً حتی کاد یذهب عقله. تحیر من شده الوجد (تحیر ناشی از شدت وجد و اشتیاق).

الصباة: الشوق و رقة الهوى و الوجد الشديد (شوق و ولع شدید).

تام: رام و مقهور کس دیگری شدن به گونه‌ای که فرد خودش را کاملاً در اختیار او قرار داده است.

### ۳. تعریف عشق

بحث عشق در فلسفه و عرفان یکی از مسائل اساسی به حساب می‌آید و در عرفان مهم‌ترین رکن طریقت محسوب می‌شود. اگر بخواهیم تصویر روشنی از مفهوم اصطلاحی عشق ارائه دهیم ناچاریم به تعاریفی که حکما و عرفا از عشق داشته‌اند، بپردازیم. گروهی از ایشان عشق را قابل تعریف دانسته و تعاریفی ارائه داشته‌اند و گروهی دیگر اساساً عشق را قابل تعریف ندانسته‌اند. در اینجا به آراء هر دو گروه اشاره می‌نماییم:

الف) عشق از نظر قائلین به تعریف عشق

در فرهنگ فلسفی آمده است که: «عشق در اصطلاح حکما به دو معنا به کار می‌رود: ۱) عشق غریزی. ۲) عشق الهی. عشق غریزی عبارتست از جذبه طبیعی محرک تمام موجودات. هر یک از موجودات نسبت به کمال خود یک عشق غریزی دارند مثل عشق بعضی از مواد شیمیایی به یکدیگر، عشق حیوان به غذا و عشق جوان به روی زیبا.

عشق الهی، محبت خالصی است که صوفیان، انسان را به آن دعوت می‌کنند و در وصف آن می‌گویند: جوهری الهی است در وجود انسان که چون از آلودگی‌های ماده بپالاید، مشتاق شبیه خود می‌شود و به دیده عقل، خیر اول محض را مشاهده می‌کند و به سوی آن می‌شتابد. در این